



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

دانشکده علوم - گروه روانشناسی

پایانامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

گرایش: روانشناسی عمومی

عنوان:

**مقایسه هوش هیجانی و سبک های مقابله ای نوجوانان عادی مدارس
متوسطه چهار ناحیه شیراز و بزهداران کانون اصلاح و تربیت شهرستان
شیراز**

استاد راهنما:

دکتر سیروس سروقد

استاد مشاور:

دکتر حجت اله جاویدی

نگارش:

محمد سعید منصورى شیرازی

پاییز ۱۳۸۸

**تقدیم به آنان که
به من آموختند**

تقدیم به پدر و مادرم

**تقدیم به همسر
و فرزندانم و حید و نوید**

سپاس و قدردانی

این پایان نامه حاصل تحقیق، تلاش، مساعدت و همکاری افرادی است که
مایلم از تمامی آنها قدردانی نمایم .

- استاد گرامی جناب آقای دکتر سیروس سروقد استاد محترم راهنما
- استاد گرامی جناب آقای دکتر حجت اله جاویدی استاد محترم مشاور
- استاد گرامی جناب آقای دکتر سلطانعلی کاظمی استاد محترم داور
- و همه کسانی که به نحوی اینجانب را مورد محبت قرار دادند .

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه هوش هیجانی و شیوه های مقابله ای دانش آموزان عادی مدارس

متوسطه چهار ناحیه شیراز با نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت بوده است. بدین منظور نمونه ای

شامل ۱۰۰ نفر دانش آموز پسر و دختر به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای و ۱۰۰ نفر

نوجوانان بزهکار پسر و دختر در دسترس بصورت تصادفی ساده انتخاب شدند. آزمودنیها در این تحقیق

به آزمون هوش هیجانی بار- آن فوم ۹۰ سوالی و پرسش نامه مقابله با موقعیت های استرس زا (اندلرو

پارکر)، پاسخ دادند. طرح تحقیق از نوع علی - مقایسه ای بود. آزمون های آماری به کار برده شده در

این طرح، t -test، گروههای مستقل، روش رگرسیون چند متغیری، تحلیل واریانس یکطرفه، ضریب

همبستگی پیرسون و اسپیرمن بود.

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین میزان هوش هیجانی نوجوانان عادی و بزهکار دختر و پسر

تفاوت معنادار وجود دارد. بین سبک های مقابله ای نوجوانان عادی و بزهکار دختر و پسر تفاوت معنادار

وجود دارد. بین هوش هیجانی و سبک های مقابله ای نوجوانان عادی پسر در سبک مسئله مداری ارتباط

معنادار وجود دارد و در نوجوانان بزهکار پسر در سبک مقابله ای هیجان مدار و نوجوانان بزهکار دختر در

سبک اجتنابی ارتباط معنادار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد بین عوامل جمعیت شناختی و

بزهکاری در زمینه های مرگ پدر، مرگ مادر، طلاق، وضعیت مسکن و وضعیت مالی رابطه معنادار وجود

دارد و در زمینه های ازدواج مجدد و اعتیاد پدر رابطه معنادار وجود ندارد. و نتایج نشان داد که از بین

سبک های مقابله ای سبک مسئله مدار پیش بین بهتری برای هوش هیجانی می باشد.

کلید واژه: هوش هیجانی، سبک های مقابله ای، بزهکاری، عادی

صفحه	عنوان
	چکیده
	فصل اول بیان مسئله
۲-۴	مقدمه
۴-۶	بیان مسئله
۶-۸	اهمیت و ضرورت پژوهش
۸	اهداف پژوهش
۹	سوالات پژوهش
۹-۱۰	تعریف عملیاتی واژه ها
	فصل دوم ادبیات تحقیق
۱۱	مقدمه
۱۱-۱۴	اهمیت هیجانات
۱۵-۱۹	مدل توانایی هوش هیجانی
۱۹-۲۰	ضریب هوشی و هوش هیجانی
۲۰-۲۱	مقایسه هوشبهر و هوش هیجانی
۲۱-۲۴	تعریف مقابله
۲۴-۲۵	تعریف بزهکاری
۲۶-۲۸	تعریف بزهکاری در رویکردهای مختلف
۲۸-۲۹	سازگاری معیوب
۲۹-۳۰	کودکان و جوانان ناسازگار
۳۱-۳۲	انواع و ریشه های بزهکاری
۳۱-۳۲	رابطه سن با تعداد بزهکاری
۳۲-۳۳	رابطه سن با جرائم
۳۳-۳۴	ویژگیهای نوجوانان بزهکار
۳۴	میزان شیوع بزهکاری
۳۴-۳۷	پیشینه تحقیق
۳۷	هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی
۳۸-۴۰	هوش هیجانی و بزهکاری
۴۰-۴۱	هوش هیجانی و آموزش
۴۱-۴۲	پیشینه تحقیق شیوه های مقابله ای
۴۳	شیوه های مقابله و بزهکاری
۴۳-۴۴	شیوه های مقابله ای و آموزش
۴۴-۴۵	هوش هیجانی و شیوه های مقابله ای
۴۵-۵۰	بزهکاری و ساختار خانواده
۵۰	جمع بندی

فصل سوم روش اجرای پژوهش

۵۲	روش پژوهش
۵۲	جامعه آماری پژوهش
۵۲	نمونه و روش نمونه گیری
۵۳-۵۴	ابزار پژوهش
۵۴	روش جمع آوری داده ها
۵۴-۵۵	روش تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم : تجزیه و تحلیل داده ها

۵۷	مقدمه
۵۸-۷۳	تحلیل سوالات پژوهشی

فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری

۷۵-۷۶	خلاصه
۷۶-۸۸	بحث و نتیجه گیری
۸۹	محدودیت های پژوهش
۹۰	پیشنهادها

منابع پژوهش

۹۱-۹۴	منابع فارسی
۹۵-۹۶	منابع خارجی

ضمائم

ضمیمه الف : آزمون هوش هیجانی بار - آن

ضمیمه ب : پرسشنامه مقابله با موقعیت های استرس زا اندلر و پارکر

فهرست جدول ها

۵۷	جدول ۱-۴ توزیع فراوانی سن آزمودنیها.....
۵۸	جدول ۲-۴ آزمون t تفاوت هوش هیجانی نوجوانان عادی و بزهکار
۵۸-۶۰	جدول ۳-۴ تحلیل واریانس یک طرفه برای بررسی تفاوت دختران و پسران نوجوان عادی در هوش عاطفی.....
۶۰-۶۲	جدول ۴-۴ تحلیل واریانس یک طرفه برای بررسی تفاوت پسران و دختران نوجوان بزهکار در هوش هیجانی.....
۶۲-۶۴	جدول ۵-۴ تحلیل واریانس یک طرفه برای بررسی تفاوت نوجوانان پسر عادی و بزهکار در هوش هیجانی
۶۴-۶۶	جدول ۶-۴ تحلیل واریانس یک طرفه برای بررسی تفاوت دختران نوجوان عادی و بزهکار در هوش هیجانی
۶۶	جدول ۷-۴ آزمون t گروههای مستقل برای تعیین تفاوت بین سبک های مقابله ای در گروه نوجوانان عادی و بزهکار
۶۷	جدول ۸-۴ آزمون t گروههای مستقل برای تعیین تفاوت بین سبک های مقابله ای در گروه نوجوانان پسر و دختر عادی.....
۶۸	جدول ۹-۴ آزمون t گروههای مستقل برای تعیین تفاوت بین سبک های مقابله ای در گروه نوجوانان پسر و دختر بزهکار
۶۹	جدول ۱۰-۴ تحلیل واریانس یک طرفه برای بررسی تفاوت نوجوانان پسر عادی و بزهکار در سبک های مقابله ای.....
۶۹-۷۰	جدول ۱۱-۴ تحلیل واریانس یک طرفه برای بررسی تفاوت نوجوانان دختر عادی و بزهکار در سبک های مقابله ای
۷۰	جدول ۱۲-۴ ضرایب همبستگی بین هوش هیجانی و سبک های مقابله ای نوجوانان بزهکار.....
۷۱	جدول ۱۳-۴ ضرایب همبستگی بین هوش هیجانی و سبک های مقابله ای نوجوانان عادی
۷۲	جدول ۱۴-۴ ضرایب همبستگی بین متغیرهای جمعیت شناختی و بزهکاری
۷۲	جدول ۱۵-۴ مشخصه آماری رگرسیون هوش هیجانی بر سبک های مقابله ای در نوجوانان



فصل اول
کلیات تحقیق

۱ - ۱ مقدمه

هوش هیجانی در دهه های اخیر مورد توجه متخصصین روانشناسی قرار گرفته است . هوش هیجانی را بعضا هم سطح هوش شناختی قرار داده و جایگاه ویژه ای برای هوش هیجانی مطرح نموده اند . هوش هیجانی می تواند در ابعاد محیط پویا موجبات سلامت روانی را فراهم آورد و یادگیری همراه با لذت و شادی ، ارتباط مطلوب اجتماعی با کنترل احساسات و هیجانات را تسهیل نماید . طبیعی است که جمعیت جوان سال و آنهایی که در دوره نوجوانی بسر می برند در مقایسه با سایر دوره های زندگی بیشتر در معرض تکانه ها و استرس ها و هیجانات ، احساسات و اضطرابها و ... قرار دارند . اگر با این مشکلات به لحاظ انتزاعی و غیر ملموس بودن که بر همگان به خصوص متخصصان آشکار نیست ، بصورت اصولی و علمی برخورد نشود آثار نامطلوبی بر ارکان شخصیت ، نظام فکری و احساسی نوجوانان بر جای خواهد گذاشت که در نهایت بهداشت روانی جامعه را به خطر می اندازد .

هرگونه نقصی در هوش هیجانی می تواند صدماتی را به بار بیاورد و در زندگی زناشویی تربیت فرزندان و حتی در وضعیت سلامتی جسمانی مشکلاتی ایجاد نماید . فقدان هوش هیجانی می تواند تفکر را مقهور کند و موقعیت افراد را مختل سازد . احتمالا فرزندان ما بدین لحاظ به بیشترین صدمه دچار می شوند و در معرض مشکلاتی همچون افسردگی - اختلالات خوردن - حاملگی نا خواسته - پرخاشگری و جرائم خشونت بار قرار می گیرند (نسرین پارسا ، ۱۳۸۶).

اخبار روزانه مملو از گزارشهایی در زمینه از هم پاشیدگی خانواده ها است که امنیت جامعه را بر هم زده و از قتل و خونریزی حکایت دارد و نشان می دهد که طغیان هیجان ها در زندگی ما و افراد اطراف ما پدید آمده است .

در دهه گذشته گزارش هایی که بر افزایش نا شایستگی هیجانی نومیدی و بی پروایی در زندگی خانوادگی جامعه و زندگی جمعی ما بدست آمده است . این سال ها بیانگر اوج گیری موج خشونت و نا امیدی بوده اند که با در تنهایی خاموش کودکی قابل مشاهده است که در خانه را به روی او قفل کرده اند

و تلویزیون تنها همدم اوست یا در رنج و درد کودکان مطرود و محروم یا مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته یا در قالب روابط زناشویی ناگوار و خشونت آمیز بوده است .

با توجه به صنعتی شدن جهان و فشار های محیط زندگی و خانوادگی افراد برای راحت زیستن با وقایع زندگی مقابله می نمایند ، مقابله ، در درجه اول یکنوع پاسخ به هیجانها می باشد ، بخصوص هیجانهای منفی که بر اثر این وقایع بوجود می آیند . علت موضوع این است که معنی وقایع خارجی تا حد زیادی تابع قدرت آنها در برانگیختن هیجانها می باشد (اکبرزاده ، ۱۳۸۳) .

انسان ها در موقعیت های استرس زا به طرق مختل با آنها برخورد می کنند و سعی بر خنثی نمودن اثر فشار دارند و به نوعی به مقابله می پردازند . منظور از مقابله کردن تلاشهایی است که برای کنترل و اداره کردن موقعیتهایی که به نظر خطرناک و تنش زا می رسند می باشد اما افراد همیشه بصورت کارآمد دست به مقابله نمی زنند و بجای تمرکز بر حل مشکل از شیوه های هیجانی یا اجتنابی استفاده می کنند که شیوه های ناکارآمد می باشند این شیوه ها می توانند برای خود - خانواده و جامعه مضر باشند .

در صورتیکه نوجوانان نتوانند با مشکلات زندگی و مسائل اجتماعی به روش صحیح مقابله کنند و از روش های ناکارآمد جهت مقابله با مسائل استفاده نمایند که این روشها را می توان بعنوان رفتارهای بزهکارانه در نظر گرفت همه حاکی از این امر می باشد که نوجوانانی که رفتارهای بزهکارانه دارند از دانسته های خود نمی توانند برای رفع مشکل خود بهره ببرند که این موضوع نشان دهنده پایین بودن هوش هیجانی آنان می باشد .

با توجه به جمعیت جوان کشور ما تعداد نوجوانان و جوانان زیادی را مشاهده می کنیم که روزانه با فشارهای روانی زیادی روبرو هستند و در صورت عدم آگاهی از شیوه ها و سبک های مقابله ای کارآمد احتمال اینکه از شیوه های مقابله ای ناکارآمد استفاده نمایند زیاد خواهد بود و با توجه به هیجاناتی که در این سنین مشاهده می شود ممکن در مواجهه با مشکلات بصورت تکانشی برخورد نمایند و شیوه مقابله ای آنان می تواند بیشتر از نوع ناکارآمد بوده و مشکلاتی را برای آنان بوجود آورد .

بنابراین با توجه به مطالب ارائه شده افراد با هوش هیجانی بالا می توانند از پس مشکلات بر آیند و همچنین با عنایت به شیوه های مقابله ای می توانند در مقابله با استرس ها و فشارها هیجانهای خود را کنترل کنند و بصورت کارآمد در برابر مشکلات مقابله نمایند . پژوهشگر بدنبال این مبحث است و در

تلاش است تا به این مورد دست یابد که نقص در هوش هیجانی و عدم استفاده از سبک های مقابله ای کارآمد یکی از دلایل گرایش نوجوانان به بزهکاری می باشد .

۱-۲ بیان مسئله

سالها تصور می شد که هوش شناختی (IQ)^۱، افراد موفقیت آنان را در زندگی تعیین می کند . مدارس برای ثبت نام دانش آموزان در برنامه های مختلف و همچنین شرکت ها و کارفرمایان برای انتخاب افراد از آزمون هوش شناختی استفاده می کردند . ولی در چند دهه اخیر ، محققان دریافته اند که هوش شناختی تنها شاخص موفقیت افراد نیست . اکنون توجه به سمت بهره هیجانی (EQ)^۲ است که بعنوان شاخص دیگر موفقیت محسوب می شود . هوش هیجانی ، نوع دیگر با هوش بودن است و شامل درک احساسات خود برای تصمیم گیری مناسب در زندگی است . بهره هیجانی (EQ) توانایی کنترل حالت های اضطراب آور و کنترل واکنشهاست . این به معنی پراکنجیزه و امیدوار بودن به کار و رسیدن به اهداف است . به طور کلی بهره هیجانی (EQ) یک مهارت اجتماعی است و شامل همکاری با سایر مردم ، کاربرد احساسات در روابط و توانایی رهبری سایر افراد می باشد (سموعی ، ۱۳۷۵) .

واژه هوش هیجانی (EI)^۳ و بهره هیجانی (EQ) بعنوان پر کاربرد ترین لغات و مفاهیم جدید در سال ۱۹۹۵ انتخاب گردید . در سال ۱۹۸۰ رون بار- آن^۴ برای اولین بار مخفف بهره هیجانی یا (EQ) را برای این دسته تواناییها به کار برد و اولین آزمون در این مورد را ساخت و در سال ۱۹۹۵ دانیل گلمن^۵ در کتاب خود عنوان هوش هیجانی را بیان کرد (اکبرزاده ، ۱۳۸۳) .

لازاروس و فولکمن^۶ (۱۹۸۴) منظور از مقابله کردن تلاشهایی برای کنترل و اداره کردن موقعیتهایی که به نظر خطرناک و تنش زا می رسند می دانستند ، آنها دوشکل کلی مقابله را مشخص کرده اند : مقابله متمرکز بر مشکل و مقابله متمرکز بر هیجان (محمد خانی ، ۱۳۸۳) .

۱- intelligence quotient
۲- emotional quotient
۳- emotional intelligence
۴- Bar- On
۵- Daniel Golman
۶- Lazaros - Folkman

شیوه مقابله ای متمرکز بر مسئله شامل انجام کاری یا تلاش در راستای حل مسئله جهت برداشتن استرس یا به حداقل رساندن استرس می باشد که بنابراین تلاشهای فرد معطوف به خود مسئله می باشد . شیوه مقابله ای متمرکز بر عاطفه کاهش دهنده یا اداره کننده آشفتگی عاطفی ناشی از یک موقعیت می باشد .

در این شیوه هدف فرد آرام ساختن خود و دست یافتن به آرامش است که به دلیل روی دادن استرس به هم خورده است . بنابراین فرد می کوشد تا خود را از آشفتگی ها و پریشانی های حاصل از وقوع استرس رها سازد . به عبارتی دیگر می توان گفت که در این شیوه فرد فعالیت خاصی در جهت حذف استرس نمی کند بلکه فقط خود را آرام می سازد . نکته قابل توجه این است که افراد معمولاً در مقابله با استرس از دو شیوه استفاده می کنند . آنها ابتدا با استفاده از شیوه های مقابله ای متمرکز بر عاطفه سعی دارند تا خود را آرام سازند و سپس با استفاده از شیوه های متمرکز بر مسئله بر استرس فائق آیند (هییتی ، ۱۳۸۱) .

می توان گفت مقابله کوششها و تلاشهایی است که فرد انجام میدهد تا استرس را از میان بر دارد ، آنرا بر طرف کند یا به حداقل برساند و آنرا تحمل کند . که این تلاشها یا به صورت انجام دادن کار یا فعالیتی است و یا به صورت فعالیتهای ذهنی و درون روانی می باشد (نوری قاسم آبادی ، ۱۳۷۶)

گرچه، جوامع گوناگون برحسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبه رو هستند. در همه جوامع انسانی اصطلاح بزهکار در مورد افرادی به کار برده می شود که اعمال خلاف قانون یا موازین مذهبی آن جامعه انجام می دهند. با توجه به این که احکام در جامعه های گوناگون متفاوت است، فرد متخلف در یک جامعه، ممکن است در جامعه دیگر از تخلف مبری باشد. (گلیگمن^۱، ۱۹۹۹)

با توجه به تعریف هوش هیجانی که مجموعه ای از توانایی های شناختی - توانش ها و مهارتهایی که بر توانایی رویارویی موفقیت آمیز با خواسته ها و مقتضیات و فشارهای روانی تاثیر می گذارند و سبک های مقابله با موقعیت های استرس زا که تلاشهایی برای کنترل و اداره کردن موقعیتهای که به نظر خطرناک و تنش زا می رسند به عمل می آید و افراد برای مقابله با موقعیت های استرس زا از سه سبک مقابله ای مسئله مدار هیجان مدار و اجتنابی استفاده می کنند که سبک مقابلهای مسئله مدار برای مقابله با مشکلات کارآمد و سبک های مقابله ای هیجان مدار و اجتنابی ناکارآمد می باشند .

نوجوانان برای مقابله با مشکلات و فشارهای روانی محیط اطراف خود بایستی از هوش هیجانی بالا و استفاده از سبک های مقابله ای کارآمد بر خوردار باشند حال چنانچه نوجوانان نتوانند در مقابل فشارها و موقعیت های استرس زا از توانایی های هیجانی و سبک های مقابله ای کارآمد برای رفع مشکل خود بهره ببرند با توجه به سنین دوره نوجوانی و تکانشی برخورد کردن با مسائل و عدم کنترل تکانه ها در موقعیت های استرس زا از شیوه های ناکارآمد استفاده کرده و دست به اعمال بزهکارانه همچون گرایش به مواد مخدر ، مصرف الکل ، دزدی ، رفتار پرخاشگرانه ، فرار از منزل و رفتار جنسی غیر مجاز می زنند که این تخلفات در میان پسران و دختران متفاوت می باشد .

۱-۳ اهمیت و ضرورت پژوهش

چگونگی واکنش افراد به استرس ها ، شاخص مهمی از سطح هوش عاطفی آنها است . اعتقاد رایج این است که اگر افراد از هوش عاطفی بالایی برخوردار باشند می توانند پاسخ های عاطفی خود را غنی تر و متعادل تر سازند و خودشان را از شر عوارض منفی استرس ها مصون نگه دارند از طرف دیگر آنانی که از هوش عاطفی پائینی برخوردار هستند دائم احساس پوچی و درهم شکستگی می نمایند و واکنش های عاطفی نامطلوبی نشان می دهند و مبتلا به انواع اختلالات جسمی یا روانی می باشند (ژوزف سیاروچی ، ۲۰۰۴) مطالعات گسترده ای در مورد چگونگی سازگاری افراد با موقعیت های استرس زا صورت گرفته و در ادبیات تحقیق از سه شیوه ی عمومی برای سازگاری نام برده می شدند که عبارتند از :

۱- راهبرد سازشی مسئله مدار یا تکلیف مدار

۲- راهبرد سازشی عاطفه مدار

۳- راهبرد سازشی اجتنابی

اگر فردی تکلیف مدار باشد ، در هنگام برخورد با یک مشکل سعی می کند از روش های موفقیت آمیزی که قبلا برای حل این گونه مسائل به کار برده است استفاده کند و به این راه حل ها فکر کرده قبل از دادن پاسخ مسأله را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و راه حل های گوناگونی برای حل آن در نظر می گیرد اگر از راهبرد سازشی عاطفه مدار استفاده می کند احتمال دارد به خودش بگوید که این موقعیت یک موقعیت واقعی نیست که بخواهد خود را به خاطر آن به رنج و زحمت بیندازد و عصبانی شود اگر اجتناب مداری ،

راهبردسازی وی برای برخورد با مشکلات باشد سعی می کند به روش های گوناگونی خود را از شر این مسئله یا مشکل رها سازد. مثلا به تماشای تلویزیون می پردازد یا نزد دوستان و آشنایان می رود با آنان مشغول صحبت می گردد تا آن را فراموش کند (سیاروچی، ۲۰۰۴).

در کشور ما بزهکاری به مجموعه کل جرایمی گفته می شود که در صورت ارتکاب، مجازات هایی از قبیل قصاص، دیات، حدود و تعزیرات را در پی دارد. هر روز در کنار ما جرایم متعددی به وقوع می پیوندد و با مطالعه، صفحه حوادث روزنامه ها با انواع بزهکاری آشنا می شویم: چاقو کشی، ضرب و جرح، دزدی، تجاوز و وقتی از خیابان عبور می کنیم سازمان هایی نظیر کانون اصلاح تربیت، نیروی انتظامی، و دادگاه هایی را می بینیم که برای مجازات این گونه افراد به وجود آمده اند. ولی تا کنون فکر کرده ایم چه عواملی در به وجود آوردن فرد بزهکار مؤثر است؟ پیچیدگی عوامل مؤثر در پدیده بزهکاری سبب شده است که هر گروه از محققان آن را از دیدگاهی خاص بررسی کنند. روان شناسان و روان پزشکان از دیدگاه روان شناختی، حقوق دانان از دیدگاه جرم شناسی و مسایل کیفری، پزشکان و زیست شناسان از نظر عوامل مؤثر زیستی و بالاخره جامعه شناسان از دید آسب شناسی اجتماعی (به نقل از اسفندیاری دوده چی، ۱۳۸۳).

اصطلاح بزهکار به نوجوانی اطلاق می شود که به سن قانونی (۱۸-۱۶) سالگی نرسیده و متهم به ارتکاب رفتار ضد اجتماعی است به نحوی که از طریق قانونی قابل مجازات می باشد. بزهکاری یک مشکل اجتماعی است و از لحاظ میزان وقوع در بین پسران و دختران تفاوت های چشمگیری مشاهده می شود پسران تقریبا ۵ برابر بیشتر از دختران مرتکب تخلف می شوند. تخلفات پسران شامل رفتار پرخاشگرانه چون دزدی، تجاوز جنسی، دستبرد به اموال، دزدی اتومبیل، اعتیاد و خطاهای کینه توزانه می باشد. تخلفات دختران شامل فرار از منزل، رفتار جنسی غیر مجاز و در سالهای اخیر مصرف مواد مخدر و سایر جرمهای مربوط به پسران را در بر داشته است (یاسایی، ۱۳۶۸).

مدیر کانون اصلاح و تربیت با بیان اینکه اکثر والدین جوانان بزهکار سابقه زندان دارند، گفت: بررسی ها نشان داده سوء سابقه و ارتکاب اعمال خلاف پدر و مادر، تاثیر بسزایی در بزهکاری جوانان دارد.

شواهد قابل ملاحظه وجود دارد که یادگیری نقش عمده ای در تاثیر گذاری بر تقریباً هر جنبه رفتار ایفا می کند. تمام عوامل اجتماعی و محیطی که شخصیت را شکل می دهند این کار را توسط شیوه های یادگیری انجام می دهند. بر این اساس با آموزش راه های مقابله با مشکل و افزایش هوش هیجانی نوجوانان گامی در جهت کاهش بزهکاری برداشته می شود.

باتوجه به مطالب فوق الذکر ضرورت پژوهش را چنین می توان مطرح کرد که با ارائه آموزش های لازم به نوجوانان و افزایش هوش هیجانی از طریق آموزش مهارت های زندگی و همچنین آموزش استفاده از شیوه های کار آمد مقابله ای، آنان را در برابر مشکلات و فشارهای زندگی آماده ساخته و درصد بزهکاری این قشر از جامعه را به حداقل ممکن برسانیم.

۱-۴ اهداف پژوهشی

این پژوهش سعی دارد به مطالعه مولفه های هوش هیجانی و شیوه های مقابله ای دانش آموزان عادی مدارس متوسطه چهار ناحیه آموزش و پرورش شیراز در مقایسه با نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت بپردازد.

۱-۱-۴ اهداف کلی

مقایسه هوش هیجانی و شیوه های مقابله ای دانش آموزان عادی مدارس متوسطه چهار ناحیه آموزش و پرورش شیراز در مقایسه با نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت بپردازد.

۱-۲-۴ اهداف فرعی

- ۱- بررسی رابطه بین مولفه های هوش هیجانی و سبک های مقابله ای نوجوانان عادی و بزهکار
- ۲- بررسی تفاوت بین مولفه های هوش هیجانی نوجوانان عادی و بزهکار
- ۳- بررسی تفاوت بین سبک های مقابله ای نوجوانان عادی و بزهکار
- ۴- بررسی تفاوت بین هوش هیجانی، نوجوانان پسر و دختر عادی
- ۵- بررسی تفاوت بین سبک های مقابله ای نوجوانان پسر و دختر عادی
- ۶- بررسی تفاوت بین هوش هیجانی نوجوانان پسر و دختر بزهکار.
- ۷- بررسی تفاوت بین سبک های مقابله ای نوجوانان پسر و دختر بزهکار.

۵-۱ سوالات پژوهشی

- ۱- آیا بین هوش هیجانی نوجوانان عادی و بزهکار تفاوت معنی دار وجود دارد؟
- ۲- آیا بین هوش هیجانی نوجوانان عادی (پسر و دختر) تفاوت معنی دار وجود دارد؟
- ۳- آیا بین هوش هیجانی نوجوانان بزهکار (پسر و دختر) تفاوت معنی دار وجود دارد؟
- ۴- آیا بین هوش هیجانی نوجوانان پسر عادی و بزهکار تفاوت معنی دار وجود دارد؟
- ۵- آیا بین هوش هیجانی نوجوانان دختر عادی و بزهکار تفاوت معنی دار وجود دارد؟
- ۶- آیا بین سبک های مقابله ای نوجوانان عادی و بزهکار تفاوت معنی دار وجود دارد؟
- ۷- آیا بین سبک های مقابله ای نوجوانان عادی (پسر و دختر) تفاوت معنی دار وجود دارد؟
- ۸- آیا بین سبک های مقابله ای نوجوانان بزهکار (پسر و دختر) تفاوت معنی دار وجود دارد؟
- ۹- آیا بین سبک های مقابله ای نوجوانان پسر عادی و بزهکار تفاوت معنی دار وجود دارد؟
- ۱۰- آیا بین سبک های مقابله ای نوجوانان دختر عادی و بزهکار تفاوت معنی دار وجود دارد؟
- ۱۱- آیا بین هوش هیجانی و سبک های مقابله ای نوجوانان بزهکار (پسر و دختر) رابطه وجود دارد؟
- ۱۲- آیا بین هوش هیجانی و سبک های مقابله ای نوجوانان عادی (پسر و دختر) رابطه وجود دارد؟
- ۱۳- آیا بین عوامل جمعیت شناختی و بزهکاری ارتباط معنادار وجود دارد؟
- ۱۴- کدام یک از مولفه های سبک های مقابله ای پیش بین بهتری برای هوش هیجانی می باشد؟

۶-۱ تعاریف واژه ها

۶-۱-۱ تعریف مفهومی هوش هیجانی

هوش هیجانی نماینده توانایی تشخیص، ارزیابی و بیان هیجان بنحو صحیح و سازگارانه می باشد همچنین شامل توانایی درک هیجان و آگاهی از هیجان ها، توانایی دست یابی و یا ایجاد احساسات تسهیل فعالیت های شناختی و عمل سازگارانه، توانایی تنظیم هیجان ها در شخص و دیگران می باشد (مایر و سالوی^۱، ۱۹۹۷).

۶-۲-۱ تعریف عملیاتی هوش هیجانی

در این پژوهش هوش هیجانی با پرسشنامه فرم ۹۰ سوالی بار - آن که توسط وی در سال (۱۹۹۷) ساخته شده است و دارای پانزده خرده مقیاس است ، اندازه گیری می شود .

۶-۳-۱ تعریف مفهومی شیوه مقابله ای

لازاروس و فولکمن^۱ (۱۹۸۴) منظور از مقابله کردن تلاشهایی برای کنترل و اداره کردن موقعیتهایی که به نظر خطرناک و تنش زا می رسند بعمل می آید (محمد خانی ، ۱۳۸۳) .

۶-۴-۱ تعریف عملیاتی شیوه مقابله ای

در این پژوهش شیوه سه راهبرد مساله مدار ، هیجان مدار و اجتنابی توسط پرسشنامه مقابله با موقعیت های استرس زا (اندلر و پارکر^۲ ۱۹۹۴) اندازه گیری شد .

۶-۵-۱ تعریف مفهومی بزهکاری

اصطلاح بزهکار به نوجوانی اطلاق می شود که به سن قانونی (۱۸-۱۶) سالگی نرسیده و متهم به ارتکاب رفتار ضد اجتماعی است به نحوی که از طریق قانونی قابل مجازات می باشد . بزهکاری یک مشکل اجتماعی است و از لحاظ میزان وقوع در بین پسران و دختران تفاوت های چشمگیری مشاهده می شود (باسایی ، ۱۳۶۸) .

۶-۶-۱ تعریف عملیاتی بزهکاری

در این پژوهش بزهکار به نوجوانانی گفته می شود که درکانون اصلاح و تربیت قرار دارند و یا در مرکز بهزیستی زندگی می کنند و یا توسط مامورین به منکرات منتقل شده اند .

۱- Lazaros & Folkman

۲- Endler & Parker



فصل دوم
ادبیات
تحقیق

۱-۲ مقدمه

در عصر حاضر فشارهای زیادی بر نوجوانان وارد است و دچار مشکلات عدیده روانی - اجتماعی خواهند شد زیرا در شرف پی ریزی و تکوین زندگی آینده شان می باشند و با شرایط استرس زای عاطفی - اجتماعی و روانی از مسائل روزمره گرفته تا اتفاقات بزرگ زندگی خویش روبرو هستند . توانایی نوجوانان در تنظیم احساسات و رفتارهایشان تحت شرایط استرس زای زمینه های مدرسه ای ، خانوادگی ، شرایط شغلی و ... نشان دهنده سلامت روان ، هوش هیجانی مناسب و پیشرفت آن ها در کسب استقلال و کاربرد شیوه های مقابله ای مناسب در غلبه بر استرس می باشد (شولمان^۱ ، ۱۹۹۵) . در این فصل ابتدا به بحث نظری و سپس به پژوهش های پیشین پرداخته شده است و در نهایت یک جمع بندی از مطالب صورت می گیرد .

۲-۲ اهمیت هیجانات

شواهد فراوانی وجود دارد که هیجانات در زندگی ما اهمیت بسیاری دارد . طبیعت ، هیجانات ما را در خلال بیش از میلیون ها سال دگرگون ساخته است ، در نتیجه هیجانات ما دارای توانمندی های بالقوه ای هستند که به عنوان یک نظام هدایت گر داخلی خیال انگیز و فریبنده به ما خدمت می کنند زمانی که نیازهای طبیعی بشر برآورده نمی شود ، هیجانات به ما هشدار می دهند . برای مثال زمانی که احساس تنهایی می کنیم ، نیاز ما برای ارتباط با مردم دیگر برآورده نشده است زمانی که ما احساس ترس می کنیم ، نیاز ما برای امنیت برآورده نشده است و زمانی که احساس طرد شدن می کنیم نیاز ما برای پذیرش (مقبولیت) برآورده نشده است (گلمن^۲ ، ۱۹۹۵) .

۱- sholman
۲- Golman

هیجان‌ها یک منبع ارزشمند اطلاعاتی هستند ، هیجان‌ها به ما برای تصمیم‌سازی کمک می‌کنند مطالعات نشان می‌دهند که ارتباطات هیجانی یک شخص زمانی که در مغز شدید می‌شود ، او حتی نمی‌تواند تصمیمات ساده اتخاذ کند . چرا؟ به خاطر اینکه او نمی‌داند درباره گزینه‌هایش چگونه احساسی خواهد داشت (بار - آن ^۱ ، ۱۹۹۶ به نقل از پور زارعی ، ۱۳۸۲) .

سال‌هاست که جدی‌ترین نظریه پردازان هوشمند کوشیده‌اند تا احساسات را به حیطة هوش وارد کنند به جای آن که عواطف و هوش را دونقطه متضاد ناهمساز در نظر بگیرند . از این رو ال . ای ثرندایک روانشناس نامداری که در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ در همگانی کردن نظریه هوشمند نقش مهمی داشت . در مقاله‌ای در روزنامه ی هارپر اظهار داشت :

« هوش اجتماعی یعنی توانایی درک دیگران و عمل کردن عاقلانه در ارتباط‌های بشری » ثرندایک ^۲ معتقد بود که هوش از یک مؤلفه تشکیل نشده است

چرا که نمی‌توان با یک هوش توانایی‌های انسان را سنجید . به همین دلیل او سه نوع هوش را مطرح می‌کند :

۱- هوش اجتماعی ^۳

۲- هوش عینی ^۴

۳- هوش انتزاعی ^۵

به نظر وی هوش اجتماعی عبارت از توانایی درک دیگران و برقراری رابطه مناسب با آن‌هاست . از این نقطه نظر فرد با هوش کسی است که در هنگام قرار گرفتن در یک جمع بتواند احساسات و عواطف دیگران را به خوبی درک و با آن‌ها رابطه خوبی برقرار کند (خسرو جاوید ، ۱۳۸۱) .

وکسلر ^۶ (۱۹۴۰) نیز بر ابعاد غیر عقلانی هوش عمومی تأکید کرده است ، عبارت زیر بیانگر تأکید وکسلر بر مفهوم هوش هیجانی است :

۱-Bar- On

۲-Thorndik

۳- social intelligence

۴ - concrete intelligence

۵- abstract intelligence

۶- Weksler